



“هو العلیم”

سخن سردبیر:

ازدواج

نیاز فطری، ضرورت اجتماعی و بستر آرامش

ازدواج، پراوازه‌ترین واژه در گستره هستی است. ازدواج، خوشایندترین رابطه انسانی است. ازدواج، مطلوب‌ترین بستر آرامش و شکوفایی وجود است. ازدواج، زیباترین فرصت برای رامشگری و نوازشگری متقابل زن و شوهر است. ازدواج، سکوی نمایش برترین هنر زندگی و کامل‌ترین شکل ارتباط انسانی است. ازدواج، میثاق رابطه پر مودت و رحمت با همسر دل آرام و آرامش آفرین است. ازدواج، پر معناترین درس وفا، درخشان‌ترین آئینه مهر، زیباترین تصویر یکرنگی، در گستره حیات انسان است. ازدواج، پیمان همدلی و همسری و همراهی تا سرمزل آرامش و سعادت است، ازدواج، آزمون همیشه مهارت آرامش آفرینی همسران دل آرام است، ازدواج، رهایی از خود گرایی و انزوای عاطفی، تجربه احساس زیبای زوجیت ماندگار، هماوایی با فلسفه خلقت و شکوه همسری است.

ازدواج، بارزترین فلسفه آفرینش و زیباترین شاخصه خلقت در گستره جهان است. خالق مهربان، احد است و صمد، همه هستی را زوج، با شاکله زوجیت، عروس/داماد می‌آفریند. در این نگاه، زوجیت در جمادات و نباتات قهری است، در حیوانات غریزی و در انساها، اشرف مخلوقات، انتخابی است.

در آئینه خلقت، ازدواج، یک نیاز فطری و ضرورت سلامت و شکوفایی حیات فردی و اجتماعی انسان است. همین است که اگر شخصی به رغم مهیا شدن فرصت‌های مطلوب برای ازدواج موفق، صرفاً به دلیل یک باورناخوشایند شخصی و نگرش کاملاً منفی، بدون هر گونه استدلال منطقی و عقلانی با اصل ازدواج مخالفت می‌نماید، یقیناً به تدریج پاره‌ای از اختلالات روانی، از جمله اضطراب و احساس ناامنی، افسردگی و بدبینی را تجربه خواهد نمود. البته خانم‌ها و آقایانی که به دلایلی ازدواج ایشان به تاخیر افتاده است لیکن کماکان مایل و مشتاق هستند که با همسر دل آرام و مطلوبی ازدواج نمایند، از سلامت روانی قابل توجهی برخوردار خواهند بود.

هدف اصلی و غایت ازدواج:

هدف غایی و اصلی ازدواج نیل به آرامش ماندگار و تجربه خوشبختی حقیقی است و در این معنا، اصلی‌ترین ویژگی همسر مطلوب و محبوب، تقدیم بی منت و بی توقع همه جاذبه‌های زیستی و حسی، کلامی و بصری، شناختی و روانی، رفتاری و

نفسانی به همسر در شرایط و موقعیت‌های پر تنوع زندگی مشترک است، در حقیقت اصلی‌ترین رسالت همسران فهیم و بصیر و دل آرام آن است که با مودّت و رحمت، آرامش بخش وجود همدیگر باشند.

در حقیقت انسان در گستره حیات از دو منبع اصلی آرامش برخوردار است:

یاد خدا و آرامیدن در کنار والدین آرامشگر و همدم و همراه شدن با همسر دل آرام تا بهشت برین. "آرامش" در آئینه روان‌شناسی، یعنی دل آرامی و برخورداری از احساس امنیت درونی، نشاط معنوی و رضامندی حیاتی. آرامش، اصلی‌ترین گنجینه وجود و سرمایه حیات انسان است، آرامش پر شکوه‌ترین زینت شخصیت انسان‌های محبوب و خلاق، خیرآفرین و بخشایشگر و متوکل است.

آرامش، فرش و عرش بهشت برین است. آرامش، یعنی تجربه خوشبختی حقیقی و انسان خوشبخت کسی است که از سویدای دل احساس امنیت و آرامش می‌نماید و همه وجودش مملو از نشاط معنوی و دل آرامی است.

آرامش و خوشبختی مقصد نیست، بلکه خوشبختی مسیر حیات است. خوشبختی را نمی‌توان در گذشته‌ها جستجو نمود و یا در فرداهای نامعلوم به امید آن نشست! آرامش و خوشبختی در لحظه‌های امروز معنا می‌یابد.

دیروز تاریخ است و از تاریخ باید تجربه آموخت و از آن گذر نمود و در حسرت دیروز نماند، فردا، راز ناگشوده است، به فردای بهتر باید امید داشت، اما به فرداهای دور و نا معلوم و رؤیاهای دست نیافتنی دل نیست. یادمان باشد که واحد عمر ما روز است، سال، از آن درختان و طبیعت است، خدای مهربان، آن حکیم قدیر، روزی عمر ما را روزانه مرحمت می‌نماید، به یقین حضرت حق، "امروز" را از سر لطف به ما ارزانی داشته است، و اگر خالق منان هنگامه طلوع فجر فردا، ادامه حیات ما را مصلحت بداند، فردا را هم به ما هدیه می‌نماید و دوست می‌داریم و دعا می‌کنیم که خدای مهربان، فرداهای بیشتر و بهتری را برایم ارزانی دارد و ما همیشه شاکر و سپاسگزار خدای مهربان باشیم و همین است که بر خود فرض می‌دانیم همه لحظه‌های امروز را شاکرانه قدر بدانیم و به عبث نگذرانیم.

بایسته آن است که در همه موقعیت‌ها، با آرامش و آرامش آفرینی، در "حال" زندگی کنیم و هر روزی را که تجربه می‌نماییم آن را هدیه خدا بدانیم و لحظه‌های آن را با غفلت و حسرت و ناسپاسی از دست ندهیم.

اگر همواره در حسرت و تاسف گذشته باشیم و لحظه‌های امروزمان را قربانی گذشته‌ها نماییم، افسرده و فرسوده می‌شویم، و اگر لحظه‌های گرانبهادر امروزمان را با خیال پردازی و فکر کردن به فرداهای نامعلوم هدر دهیم، دچار پریشانی روانی می‌شویم! پس، شایسته آن است که همواره عاقلانه بیاندیشیم، از دیروز تجربه اندوزیم و بگذریم، به فرداهای نا معلوم دل نبندیم، قدر لحظه‌های امروز را نیک بدانیم و به فرداهای بهتر امید داشته باشیم.

دکتر غلامعلی افروز

استاد ممتاز دانشگاه تهران